



## The Role of Knowledge Corps Activities on the Expansion of Education and Rural Development

Rahim Roohbakhsh Allah Abad<sup>\*1</sup>, Seyyedeh Fatemeh Zare Hosseini<sup>2</sup>

<sup>1</sup>- Graduated with a master's degree in the history of Islamic Iran, Responsible for the documents unit of the Supreme Council of Education, Iran. roohbakhsh1965@yahoo.com

<sup>2</sup>- Assistant Professor, Department of Religions and Mysticism, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. zareh-h@um.ac.ir

### Article Info

### ABSTRACT

**Article type:**  
**Research Article**

**Received:**  
**20/03/2024**  
**Accepted:**  
**01/06/2024**

The developments of the forties in Iran in various fields, including education, were based on the principles of the White Revolution. In this regard, with the formation of the Knowledge Corps based on the sixth principle of the principles of the White Revolution, the expansion of literacy in the country's villages was placed on the joint agenda of the Ministry of Culture and War. According to this principle, people with diplomas could do their military service and conscription after a short period of military training and teaching methods in the villages to teach and educate the villagers. Of course, after a short period of time, the field of mission of Sepahian Danesh expanded and included construction activities in villages. According to these missions, several centers and institutions were established to strengthen the knowledge corps, including scientific, supervisory, procurement, etc. This article, using library resources focusing on documents, especially the minutes of negotiations and approvals of the Supreme Council of Culture/Education and Education, and using a descriptive-analytical method, indicates that the knowledge corps succeeded not only in the literacy of the villagers, but also in the field of developments during their one and a half decade of activity in the country's villages. have useful cultural, social and even economic achievements.

**Keywords:** knowledge corps, Village, Education, Construction.

**Cite this article:** Roohbakhsh Allah Abad, Rahim, (2024), "The Role of Knowledge Corps Activities on the Expansion of Education and Rural Development", *The History of Village and Rural Settlement in Iran and Islam*, Vol. 1, No. 4, P: 97-124.

\_DOI: 10.30479/hvri.2024.20130.1030

© The Author(s).



**Publisher:** Imam Khomeini International University

**\*Corresponding Author:** Rahim Roohbakhsh Allah Abad

**Address** Graduated with a master's degree in the history of Islamic Iran, Responsible for the documents unit of the Supreme Council of Education, Iran.

**E-mail:** roohbakhsh1965@yahoo.com



## فصلنامه

# تاریخ روستا و روستانشینی در ایران و اسلام

شاپا الکترونیکی: ۳۰۶۰-۶۰۱۲

سال دوم، دوره جدید، شماره اول، بهار ۱۴۰۳



## نقش فعالیت‌های سپاه دانش در گسترش آموزش و توسعه عمران روستاها

رحیم روح‌بخش اله‌آباد<sup>۱\*</sup>، سیده فاطمه زارع‌حسینی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>- کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، مسئول واحد اسناد شورای عالی آموزش و پرورش

roohbakhsh1965@yahoo.com

<sup>۲</sup>- استادیار گروه ادیان و عرفان، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. zareh-h@um.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱</p> <p>پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲</p>	<p>تحولات دهه چهل ایران در حوزه‌های مختلف از جمله آموزش و پرورش مبتنی بر اصول انقلاب سفید بود. در این راستا با تشکیل سپاه دانش براساس اصل ششم اصول انقلاب سفید، گسترش سوادآموزی در روستاهای کشور در دستور کار مشترک وزارت فرهنگ و جنگ قرار گرفت. طبق این اصل، افراد دیپلمه می‌توانستند خدمت سربازی و نظام وظیفه خود را بعد از یک دوره کوتاه آموزش نظامی و روش تدریس، در روستاها به آموزش و سوادآموزی روستاییان پردازند. البته بعد از مدتی کوتاه حوزه مأموریتی سپاهیان دانش گسترش یافت و فعالیت‌های عمرانی در روستاها را نیز شامل شد. به اقتضای این مأموریت‌ها، مراکز و نهادهای چندی برای تقویت سپاهیان دانش اعم از علمی، نظارتی، تدارکاتی و ... تأسیس شد. این مقاله با بهره‌برداری از منابع کتابخانه‌ای با محوریت اسناد، به‌ویژه صورت مذاکرات و مصوبات شورای عالی فرهنگ/ آموزش و پرورش و به روش توصیفی - تحلیلی حاکی است که سپاهیان دانش در طی یک‌دهه‌ونیم فعالیت خود در روستاهای کشور موفق شدند نه تنها در سوادآموزی روستاییان، بلکه در عرصه تحولات فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی دستاوردهای مفیدی داشته باشند.</p> <p><b>واژگان کلیدی:</b> سپاه دانش، روستا، آموزش، عمران.</p>

استناد: روح‌بخش اله‌آباد، رحیم؛ زارع‌حسینی، سیده فاطمه، (۱۴۰۳)، «نقش فعالیت‌های سپاه دانش بر گسترش آموزش و توسعه عمران روستاها»، فصلنامه تاریخ روستا و روستانشینی در ایران و اسلام، سال اول، شماره چهارم، ص: ۹۷-۱۲۴.

DOI : 10.30479/hvri.2024.20130.1030

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

حق مؤلف © نویسندگان.



## مقدمه

تحولات ایران در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم به‌خصوص بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در نسبت مستقیمی با مناسبات جهانی از جمله سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفت. این رویکرد را افزون بر شرایط خاص جغرافیایی ایران در همسایگی با شوروی، باید در خلال منازعات جهانی - جنگ سرد میان امریکا و شوروی - تلقی کرد، کما اینکه تحولات اصلاحی آموزشی کشورها در این دوره مورد درخواست نهادهای بین‌المللی نظیر یونسکو نیز بود؛ از آن جمله در کنفرانس عمومی یونسکو تصمیم گرفته شد که مطالعات مقدماتی به‌منظور تهیه برنامه توسعه تعلیمات ابتدایی در آسیا انجام شود. پیرو اقدامات انجام‌شده در این راستا، یک سال بعد، در ۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸ش بنا به دعوت یونسکو، کنفرانس کراچی با حضور نماینده ۱۷ کشور تشکیل شد. شرکت کنندگان نتایج مذاکرات خود را به‌همراه توصیه‌نامه‌هایی مبنی بر توسعه تعلیمات عمومی در کشورهای آسیایی تسلیم یونسکو کردند که این توصیه‌نامه مبنای «طرح کراچی» را تشکیل داد. هدف اصلی آن طرح، برقراری نظام تعلیمات مجانی و اجباری و عمومی هفت‌ساله به مدت بیست سال بود که انتهای آن سال ۱۹۸۰م/ ۱۳۵۹ش تعیین شد. در ۱۹۶۰م/ ۱۳۳۹ش، کنفرانس عمومی یونسکو در یازدهمین جلسه خود، طرح کراچی را تصویب کرد که مقرر شد براساس آن در سال‌های ۱۹۶۱-۱۹۶۲م/ ۱۳۴۰-۱۳۴۱ش، برنامه توسعه تعلیمات ابتدایی در آسیا اجرا شود. برای بررسی اقدامات کشورهای مجری طرح کراچی در ۱۹۶۲م/ ۱۳۴۱ش، با حضور وزرای فرهنگ، کنفرانسی در کشور ژاپن برگزار شد که نتیجه آن، تأیید تلاش‌های کشورهای در راه توسعه تعلیمات ابتدایی بود؛ با این توضیح که نه‌تنها هر کشور باید در برنامه‌های تعلیماتی خود تجدیدنظر کند و علاوه بر تعلیمات ابتدایی، سایر دوره‌های تحصیلی را نیز مورد توجه قرار دهد، بلکه برنامه‌های جدید با برنامه‌های کلی رشد اقتصادی و اجتماعی ممالک هماهنگ شود. با تأیید و تصویب این طرح، کشورهای آسیایی موظف شدند هماهنگ با رشد اقتصادی و اجتماعی مملکت خود برای سال ۱۹۶۵م/ ۱۳۴۵ش، برنامه بلندمدتی برای توسعه تعلیمات ابتدایی، متوسطه، آموزش عالی و آموزش سالمندان تنظیم کنند (جمادی، ۱۳۸۹: ۴۷۹).

براساس این رویکرد، توجه به آموزش و سوادآموزی روستاییان در ایران تحت عنوان «سپاه دانش»، یکی از مهم‌ترین این اصلاحات آموزشی و در قالب اصل ششم انقلاب سفید به اجرا درآمد. اجرای طرح سپاه دانش به‌دنبال اجرای بخشی از اصل اصلاحات ارضی - که البته از سال ۱۳۴۰

شروع شده بود - می‌توانست به این معنا نیز باشد که اینک بعد از رهایی روستا از سلطه مالک، امکان ورود مأموران دولتی از جمله سپاهی دانش به روستا فراهم شده و از این طریق نظام آموزش و پرورش می‌تواند با پیاده کردن اصل سپاه دانش، ارتقای سطح فرهنگی جامعه روستایی، توسعه و حفظ بهداشت روستا و خانواده، آشنا کردن مردم با اصول کشاورزی و دامداری، تشکیل و تقویت شرکت تعاونی را در راستای اجرای برنامه اصلاحات ارضی مورد توجه قرار دهد. متأسفانه این تحولات چنانکه باید در مراکز پژوهشی مورد توجه پژوهش‌گران قرار نگرفته است. ناگفته پیداست که برای تبیین تاریخ و تحولات نظام آموزشی ایران در عصر پهلوی، ضرورت دارد عملکرد سپاه دانش در گسترش سوادآموزی در روستاها بررسی شود. در این راستا، در این نوشتار موضوع تحولات آموزشی دهه چهل در روستاها با محوریت سپاه دانش با استناد به اسناد نویافته بازکاوی می‌شود.

در ایران به پژوهش درباره نقش و عملکرد سپاه دانش توجه چندانی نشده است. بهزاد جمادی در مقاله «بررسی ضرورت و اهداف شکل‌گیری سپاه دانش در آموزش و پرورش»، طی ارائه آمار و ارقام متعدد، ابعاد کمی دستاوردهای سپاه دانش را بررسی کرده است (جمادی، ۱۳۹۸: ۴۷۱-۴۹۸). محمود محمدی در مقاله «از سپاه دانش تا سرباز معلم» به مقایسه شیوه و عملکرد سپاه دانش در قبل از انقلاب با سربازمعلم در بعد از انقلاب پرداخته است (محمدی، ۱۳۹۸: ۴۵۴-۴۶۱). مسیح جواهری در مقاله «ضرورت تدوین تاریخ شفاهی سپاه دانش: بررسی رویدادها و عملکرد نظام آموزشی»، بخشی از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی آرشیو ملی ایران با دست‌اندرکاران سپاه دانش در قبل از انقلاب را استخراج و بازکاوی کرده است (جواهری، ۱۳۹۸: ۴۳۹-۴۶۹). طیبه منصوری در مقاله «سپاه دانش در اسناد مجلس» صرفاً محتوای نشریه «سپاه دانش» را معرفی کرده است (منصوری، ۱۳۸۸: ۴۵۷-۴۶۷). در نهایت، اقبال قاسمی پویا در مقاله «دانشسرای عالی سپاه دانش (ابوریحان بعدی) و تربیت معلم» خود، دانشگاه سپاهیان انقلاب را محور پژوهش خود قرار داده است. نویسندگان این مقالات به‌رغم برخی داده‌ها و اطلاعات، به اسناد سپاه دانش به‌طور عام و متن صورت‌مذاکرات و مصوبات شورای عالی فرهنگ/آموزش و پرورش به‌طور خاص توجه چندانی نکرده‌اند. نگارنده با عنایت به مسئولیت خود به‌عنوان کارشناس مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش، در این مقاله مجموعه مصوبات شورا و همچنین اظهارات اعضای آن در خصوص سپاه دانش را استخراج و در این نوشتار توصیفی-تحلیلی استفاده کرده است. با

عنایت به نقش و جایگاه قانونی شورای عالی به‌عنوان سیاست‌گذار عرصه آموزش و پرورش، مصوبات و صورت‌مذاکرات آن در این خصوص حائز اهمیت ویژه است.

### ۱. شکل‌گیری سپاه دانش

چنانکه گذشت، اقدامات اصلاحی دهه چهل از جمله تشکیل سپاه دانش، مبتنی بر اصول انقلاب سفید بود. بر این اساس، توجه به آموزش در روستاها از سال ۱۳۴۱ و در پی آمار به‌دست‌آمده از کودکانی که در آن سال به دبستان راه یافته بودند، نسبت به کلیه کودکان لازم‌التحصیل در شهرهای مراکز استان‌ها بیشتر شد؛ زیرا آمار ثبت‌نام کودکان مذکور نشان می‌داد به‌طور متوسط ۷۵ درصد در شهرها و ۲۵ درصد در روستاها به مدرسه راه یافته بودند؛ به عبارت دیگر، با وجودی که در آن تاریخ جمعیت دهات ایران سه برابر جمعیت شهرها بوده است، باین‌حال عده نوآموزان روستاها همواره بین ۳۵ تا ۴۰ درصد کمتر از عده نوآموزان شهرها بوده است (محمدی، ۱۳۹۸: ۴۵۶). یک گزارش دیگر در این راستا حاکی است «قبل از تشکیل سپاه دانش، آمار بی‌سوادان به بیش از ۸۰ درصد جمعیت کشور می‌رسیده و اکثریت این بی‌سوادان هم در روستاها سکونت داشتند. در سال‌های پیش از اجرای طرح سپاه دانش، مشکلات گوناگونی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کشاورزی و بهداشتی در مناطق روستایی وجود داشت. در ۵۰۰۰۰ روستای ایران، فقط ۷۹۳۰ دبستان در ۷۰۰۰ روستا با ۶۰۴۰۶۱ نفر دانش‌آموز و ۱۶۹۵۳ نفر آموزگار موجود بود» (جمادی، ۱۳۹۸: ۴۷۵).

برای حل این معضل، راهکاری با عنوان تأسیس «سازمان سپاه دانش» به‌منظور سوادآموزی کودکان روستایی در دستور کار قرار گرفت. متن لایحه ایجاد سپاه دانش حاکی است:

### لایحه ایجاد سپاه دانش به‌منظور تسهیل اجرای قانون تعلیمات عمومی و اجباری

با تأییدات خداوند متعال

ما محمدرضا پهلوی شاهنشاه ایران

نظر به اصل بیست‌وهفت متمم قانون اساسی مقرر می‌داریم:

ماده اول - لایحه ایجاد سپاه دانش که براساس اصل بیست‌وششم متمم قانون اساسی با تصویب ملی استقرار و قطعیت یافته و منضم به این دستخط است، به‌موقع به اجرا گذارده شود.

ماده دوم - هیئت دولت مأمور اجرای این قانون می‌باشند.

به تاریخ نهم بهمن‌ماه ۱۳۴۱ شمسی

بدون تردید بانی این طرح، دکتر پرویز ناتل خانلری، وزیر وقت فرهنگ (از تیر ۱۳۴۱ تا اسفند ۱۳۴۲) بود. در سخنانی از وی در این باره آمده است: «...نگذاشتند که من همه طرح‌ها و برنامه‌های خود را عملی کنم. در ارائه طرح سپاه دانش، رجال محافظه‌کار درباری به شاه تلقین کرده بودند که بقا و دوام نظام شاهنشاهی در حفظ بی‌سوادی عمومی است. گفته بودند خانلری که سابقه دوستی با نخستین نسل از کمونیست‌های ایرانی را دارد و تحت تأثیر افکار آن‌هاست، می‌خواهد با اجرای طرح سپاه دانش، افکار و علایق روستاییان و عشایر بی‌سواد اما شاه‌دوست را دگرگون کند؛ زیرا اینان پس از باسواد شدن، احساسات ملی خود را فروخواهند گذاشت و جذب نیروهای مخالف خواهند شد، اما شاه نپذیرفته بود و خواست مجلسی بیارایند تا من حضور بیابم و از طرح خود دفاع کنم. در آن مجلس گفتم که احساسات مردمی بی‌سواد در خور هیچ اعتبار و اعتمادی نیست. این مردم اگر امروز نسبت به شخص شاه تظاهری موافق دارند، فردا به دیگری خواهند داشت و هر روز بازیچه دست شخصی خواهند بود. اجازه بفرمایید مردم هرچه زودتر باسواد شوند تا احساسات آن‌ها از روی شناخت و آگاهی باشد. شاه نیز پذیرفت و طرح سپاه دانش اجرا شد...» (پارسی‌نژاد، ۱۳۷۰: ۲۴۱)

ناگفته پیداست که با تأسیس این سازمان و به‌دنبال برنامه اعزام معلمان سپاه دانشی به روستاها، اهداف و برنامه‌های چندی در دستور کار آنان قرار گرفت که به تدریج در طی دو دهه اجرای آن، دستاوردهای متعددی به‌دنبال داشت که مجموعه این فعالیت‌ها به‌اختصار در قالب محورهای ذیل اعم از فرایند اجرایی طرح و همچنین سیر تحولات مذکور بررسی می‌شوند.

#### ۱-۱. سپاهیان دانش در قامت سرباز- معلمان روستا

به این ترتیب، براساس اصل ششم انقلاب سفید، به‌منظور گسترش سوادآموزی در روستاها، تشکیل سپاه دانش در دستور کار وزارت فرهنگ قرار گرفت. طبق این اصل، افراد دیپلمه می‌توانستند به‌جای خدمت نظام وظیفه سربازی، بعد از یک دوره آموزش نظامی، در روستاها به آموزش سواد به کودکان روستایی بپردازند. سپاه دانش وسیله‌ای مؤثر و کم‌خرج و تا حدودی آسان برای رفع کمبود معلم برای مبارزه با بی‌سوادی بود. سپاهیان دانش به دورترین و محروم‌ترین دهات فرستاده می‌شدند تا در آنجا مدارسی دایر و معلمی کنند. وظیفه آنان هم فقط آموزش خواندن و نوشتن و حساب کردن نبود، بلکه فواید عمرانی، بهداشتی و کشاورزی نوین را نیز به اطفال و پدرانشان می‌آموختند (خانلری، ۱۳۴۲: ۴۷).

برحسب برخی پژوهش‌ها، اهداف سپاه دانش در روستاها در قالب سه عرصه قابل بررسی است:  
- عرصه فرهنگی طرح سپاه دانش شامل: الف) آموختن خواندن و نوشتن و حساب به کلیه نوآموزان دختر و پسر ۶ تا ۱۳ ساله طبق برنامه مصوبه؛ ب) آموختن خواندن و نوشتن و حساب به سالمندان مرد و زن که مایل به شرکت در کلاس‌های سالمندان بودند؛ ج) بالابردن سطح فرهنگی جامعه روستایی و د) تقویت شعائر ملی و مبانی دین.

- عرصه اقتصادی طرح سپاه دانش شامل: الف) توسعه و حفظ بهداشت روستا و خانواده؛ ب) تشکیل و تقویت شرکت‌های تعاونی که با اجرای قانون اصلاحات ارضی روند شکل‌گیری آن شروع شده بود و ج) آشنایی با اصول نوین کشاورزی و دامداری.

- عرصه اجتماعی سپاه دانش شامل: الف) ایجاد روح همکاری و تعاون شرکت روستانشینان؛ ب) شرکت روستانشینان در کارهای فرهنگی (انجمن خانه و مدرسه)؛ ج) کار دسته‌جمعی (ایجاد تسطیح جاده‌ها و راه‌ها، حفر کانال‌ها و...) و د) زایل ساختن روح پستی و حقارت (آگاهی دادن حقوق اجتماعی قانون اساسی) (هوگلند، ۱۳۸۱: ۲۳۸).

به‌رحال براساس این اصل، افراد مشمول طرح سپاه دانش طی دوره چهارماهه نخست خدمت در دو حوزه نظامی و فرهنگی آموزش‌هایی دیدند. آموزش‌ها زیر نظر شورای مرکزی آموزش در پادگان‌های نظامی انجام می‌شد. شورای آموزشی متشکل از پنج نفر شامل: فرمانده مرکز آموزش، دو نفر نظامی از مریبان نظامی و دو نفر از مریبان و راهنمایان فرهنگ بود. بر این اساس هزینه‌های مربوط به اجرای این قانون بر عهده وزارت‌های جنگ و فرهنگ بود. سپاهیان دانش در این دوره چهارماهه معمولاً صبح‌ها آموزش نظامی و عصرها دروس عمومی و تخصصی را آموزش می‌دیدند. در پایان دوره آموزش از داوطلبان آزمون نهایی گرفته می‌شد. داوطلبانی در این آزمون پذیرفته می‌شدند که معدلشان در هر گروه نظامی و فرهنگی ده از بیست یا پنجاه از صد شود. مجموع معدل‌های دو گروه، از ۱۲ بر مبنای بیست و ۶۰ بر مبنای ۱۰۰ بود. مردودان در آزمون بلافاصله از خدمت مرخص و به حوزه مربوط معرفی می‌شدند و کسانی که آزمون نهایی را با موفقیت می‌گذراندند، به‌ترتیب ارجحیت به درجات گروهان یکمی، گروهان دومی و گروهان سومی مفتخر می‌شدند. تا اینکه روز خاتمه آموزش، نماینده فرهنگ هر استان در مرکز آموزش حاضر و دانش‌آموختگان استان خود را تحویل می‌گرفت. سپاهیان دانش پس از اعزام به روستاهای محل خدمت خود، به‌عنوان یکی از اعضای خانواده روستا به‌طور شبانه‌روز در محل خدمت به‌سر

برده و در انجام کلیه امور زندگی روستاییان همکاری می‌کردند. آن‌ها موظف بودند علاوه بر آموزش کودکان، در مواقع لزوم به روستاییان در امور عمرانی و کشاورزی و اجتماعی کمک کنند. اولین سال طرح سپاهیان دانش از دهم اردیبهشت ۱۳۴۱ آغاز شد. ۲۴۹۷ نفر سپاه دانش در قصبات کشور که تا آن روز از داشتن آموزشگاه و دبستان محروم بودند، شروع به جمع‌آوری کودکان روستایی کرده و در بسیاری از دهات در تکایا، حسینیه‌ها و مساجد و در پاره‌ای نقاط در هوای آزاد و فضای باز و حتی در بعضی از روستاها در اتاق‌های واگذار شده کلاس‌های درس را تشکیل داده و کار تدریس کودکان روستایی را آغاز کردند. دانش‌آموزان در آغاز روی زمین می‌نشستند، ولی به تدریج با کمک اهالی میز و نیمکت تهیه و اتاق‌هایی برای کلاس درس ساخته شد (محمدی، ۱۳۹۸: ۴۵۶ و ۴۵۷).

در همین‌جا لازم است به این نکته اشاره شود که همکاری نظامیان و وزارت جنگ با وزارت فرهنگ در امر آموزش سابقه‌ای دیرینه داشت؛ از آن جمله در دوره رضاشاه در پی اجرای طرح اسکان و یکجانشینی عشایر، وزارت جنگ وقت در برخی روستاهای عشایرنشین به منظور تثبیت یکجانشینی عشایر، اقدام به تأسیس مدرسه کرد. این اقدامات به‌خصوص در برخی ایالاتی که عشایر کوچ‌رو زیادی داشتند، به اجرا درآمد (سیاسر، ۱۴۰۰: ۵۴۳-۵۶۴). در طرح سپاه دانش نیز با عنایت به دوره چهارماهه آموزش نظامی سپاهیان دانش در پادگان‌های ارتش، امر فرهنگ و آموزش در قالب سپاه دانش نسبت و ارتباط محکمی با عرصه نظامی پیدا کرد که این امر منجر به پذیرش نظم و انضباط در میان سپاهیان دانش شد. اشتغال آنان به معلمی در روستا با لباس فرم نظامی دارای شأن خاصی بود و برای روستاییان می‌توانست پیام‌آور نوعی قدرت هیئت حاکمه باشد که قادر بودند نه تنها هرگونه مقاومت مالکان، کدخدا، خان و... را بشکنند، بلکه به واسطه سپاهی دانش بودن، آموزه‌های ملی، زبانی، سیاسی و ایدئولوژی نظام سیاسی را نیز انتقال دهند؛ لذا این رویکرد امکان و زمینه همکاری و حتی استقبال روستاییان از سپاهی دانش را فراهم کرد. ناگفته نماند که علاوه بر وزارت آموزش و پرورش، ارتش نیز نوعی کنترل و نظارت بر فعالیت سپاهیان دانش در دوره خدمت وظیفه آنان داشت. خدمت آنان در این قانون در تمام مدت ۱۸ ماه در روستا به‌منزله خدمت در ارتش و جزء خدمت زیر پرچم محسوب می‌شد. آنان از لحاظ انضباطی و کیفری تابع قوانین و مقررات ارتش راجع به سربازان و درجه‌داران وظیفه و از لحاظ انجام خدمات فرهنگی تابع مقررات وزارت فرهنگ بودند. بر این اساس سپاهیان دانش گواهی



پایان خدمت دوره سربازی را نیز از ارتش می‌گرفتند و هرگونه قصور یا گزارش نامطلوب از عملکرد آنان می‌توانست مجازات رایج در قانون سربازی را متوجه آنان سازد. به نظر در این مورد تلفیق نظام‌گری با فرهنگ، مثمرتر واقع شد.

در کتاب «انقلاب سفید محمدرضاشاه (دی‌ماه ۱۳۴۵) طی یک فصل در ۲۶ صفحه مطالب متنوعی درباره ابعاد اصل ششم انقلاب سفید یعنی «سپاه دانش» آمده است. کلیات این فصل حاکی است تا قبل از اجرای اصل سپاه دانش، یک کودک شهری سه بار بیش از یک روستایی امکان راه یافتن به مدرسه را داشت؛ یعنی تعداد کودکان باسواد شهری سه‌برابر کودکان روستایی بود. حال آنکه در سال ۱۳۴۱ جمعیت روستایی ایران تقریباً سه‌برابر جمعیت شهرها بود. در نتیجه، امیدی نبود که از طریق عادی و جاری بتوان در وضع آموزشی کشور تعدیل اساسی ایجاد کرد و این وضعیت را بهبود بخشید. تغییر این شرایط به یک مبارزه اساسی با بی‌سوادی نیاز داشت و لازم بود یک اقدام انقلابی انجام شود؛ از این رو، در چهارم آبان و ۱۲ آذر ۱۳۴۱ با دو لایحه «آموزش روستایی» و «آموزش افراد لازم‌التعلیم»، مصوبه دولت به‌صورت قانونی درآمد و در ششم بهمن‌ماه همان سال مورد تصویب ملی قرار گرفت و از دی‌ماه ۱۳۴۱ نخستین دسته سپاهیان دانش دوره آموزشی چهارماهه خود را آغاز کردند تا پس از آن روانه روستاها شوند. از این تاریخ حماسه سپاه دانش آغاز شد. فقط در سال تحصیلی ۱۳۴۵-۱۳۴۶، تعداد ۱۳۲۰۰۰۰ دانش‌آموز در دبستان‌های عادی و سپاه دانش روستاهای کشور مشغول تحصیل شدند (پهلوی، ۱۳۴۵: ۱۲۸ و ۱۲۹).

#### ۱-۲. برنامه درسی و مأموریت سپاهیان دانش

نکته درخور توجه درباره سپاه دانش، تناسب ویژه کتب و محتوای درسی آن‌ها با زندگی و زیست‌بوم روستایی بود؛ از این رو، می‌توان مدعی شد که نکته مهم در طرح سپاه دانش به‌نوعی تدبیر و تعلقش به زیست‌بوم ایرانی بود. چنانکه گذشت، نقش دکتر پرویز ناتل خانلری، وزیر ادیب وقت فرهنگ (از تیر ۱۳۴۱ تا اسفند ۱۳۴۲) در شکل‌گیری و گسترش آن تعیین‌کننده بود. وی در گزارشی در یکی از جلسات شورای عالی فرهنگ درباره ساختار تحصیلی سپاه دانش نقل می‌کند: «برحسب تقسیم دوره ابتدایی تحصیلی به دو قسمت چهارساله اول و دوساله دوم ابتدایی، تصمیم گرفته شد سپاهیان دانش برای تعمیم سواد به کودکان روستایی، بخشی از چهارساله اول را - صرفاً به‌عنوان سوادآموزی؟ - آموزش دهند و ادامه آن با دوره‌های کوتاه‌مدت - خاص مدارس روستایی - عملی شود. در دوره‌های اخیر صرفاً مطالبی آموزش داده می‌شود که با زندگی و مشاغل

روستاییان مرتبط است؛ لذا کتاب‌های سپاه دانش با کتاب‌های دوره ابتدایی از نظر محتوایی فرق دارد» (مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش<sup>۱</sup>، صورت‌مذاکرات جلسه ۱۰۵۳، مورخ ۲۵ / ۰۱ / ۱۳۴۲).

بر این اساس، آموزش دیپلم‌های داوطلب خدمت در سپاهی دانش در دستور کار قرار گرفت. محتوا و برنامه درسی آنان در این دوره کوتاه شامل سه قسمت بود: (۱) دروس اصلی که عبارتند از: اصول آموزش و پرورش، روان‌شناسی، تربیت‌بدنی، روش‌های تدریس فارسی، ریاضیات و علوم تجربی؛ (۲) دروس متمم که عبارتند از: انقلاب سفید، پیشاهنگی، عمران روستایی، بهداشت، کمک‌های اولیه و ترویج کشاورزی و (۳) دروس و عملیات نظامی. آنان بعد از طی این دوره آموزشی نظامی - تحصیلی، به روستاهای منتخب اعزام می‌شدند. روستاهایی که سپاهیان دانش در آن حضور پیدا می‌کردند، باید دارای شرایطی به شرح ذیل می‌بودند: (۱) جمعیت روستا باید بیش از ۲۵۰ نفر باشد یا دست‌کم آن روستا ۲۰ نفر دانش‌آموز می‌داشت؛ (۲) در آن روستا پیش از آن مدرسه‌ای دایر نشده باشد؛ (۳) اهالی روستا متقاضی اعزام سپاهی و تأسیس دبستان باشند و (۴) روستاییان تسهیلاتی برای ساختن مدرسه و محل زندگی سپاهی فراهم می‌کردند (جمادی، ۱۳۹۸: ۴۸۲).

سپاهیان دانش از لحاظ انضباطی و کیفی تابع قوانین و مقررات ارتش راجع به سربازان و درجه‌داران وظیفه و از لحاظ انجام خدمات فرهنگی تابع مقررات وزارت فرهنگ بودند. آنان پس از اعزام به مناطق خدمت خود، موظف بودند علاوه بر آموزش کودکان، در کلیه امور روستا به روستاییان کمک کنند. سپاهیان دانش هر هفته گزارش جامعی از طرز کار خود و پیشرفت‌هایی که نصیب آنان شده و مشکلاتشان را در فرم‌های مخصوص تنظیم و به وزارت فرهنگ ارسال می‌کردند. گزارش‌های رسیده بررسی و دستورهای لازم به دستگاه‌های مختلف فرهنگ برای رفع مشکلات و انجام تقاضاهای سپاهیان داده می‌شد (محمدی، ۱۳۹۸: ۴۵۸).

### ۳-۱. استخدام سربازمعلم سپاه دانش در آموزش و پرورش

۱. در اینجا یادآوری می‌شود که با تغییر نام وزارت فرهنگ به وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۴۳، عنوان شورای عالی فرهنگ نیز به شورای عالی آموزش و پرورش تغییر یافت، اما شماره جلسات شورا - برخلاف مرحله قبل در تغییر عنوان شورای عالی معارف به شورای عالی فرهنگ در سال ۱۳۱۷- از شماره (۱) شروع شد. آخرین جلسه شورای عالی فرهنگ با شماره ۱۱۴۴ مورخ ۰۸ / ۰۵ / ۱۳۴۶ بود. اولین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش در مورخ ۰۱ / ۰۳ / ۱۳۴۷ برگزار شد.

به دنبال گسترش مأموریت سوادآموزی و آموزش معلمان سپاه دانش در روستاهای کشور، به تدریج این ایده در میان کارگزاران نظام آموزشی مطرح شد که به منظور بهره‌مندی از تجربه و تخصص معلمان مذکور، آنان را بعد از اتمام دوران خدمت سربازمعلمی برای شغل آموزگاری با پایه یک آموزگاری به استخدام آموزش و پرورش در روستاها درآوردند. اعطای رتبه مذکور براساس محاسبه، علاوه بر ۱۲ سال دوره تحصیلی برای دریافت گواهینامه کامل متوسطه، مدت ۱/۵ سال دوره خدمت نظام وظیفه، به علاوه چهارماه دوره آموزشی بود که جمعاً حدود ۱۴ سال محسوب می‌شد (مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش، مصوبه جلسه ۱۰۷۱، مورخ ۱۳/۰۲/۱۳۴۳). برای این منظور تمهیدات قانونی و حقوقی آن از جهت جذب معلمان در دستور کار قرار گرفت و مقرر شد این دسته از متقاضیان در دو دوره آموزشی تکمیلی طی دو تابستان شرکت کنند (همان، مصوبه جلسه ۱۰۹۲، مورخ ۲۳/۱۲/۱۳۴۳). مصوبه مربوطه حاکی است: «به استناد ماده ۶ لایحه قانونی مصوب ۱۲ آذرماه ۱۳۴۱، متمم قانون تشکیل سپاه دانش مصوب آبان‌ماه ۱۳۴۱، از سال تحصیلی ۱۳۴۳-۱۳۴۴ آموزگار برای دهات منحصراً از بین سپاهیان دانش که خدمت وظیفه سربازی خود را به پایان می‌رسانند و داوطلب ادامه خدمت در فرهنگ هستند، انتخاب می‌شود.» برای سازوکارهای حقوقی و اداری این تصمیم، «اساسنامه کلاس تربیت آموزگار از سپاهیان دانش» در شورای عالی فرهنگ به تصویب رسید. در این اساسنامه ۱۵ ماده‌ای با اشاره به اینکه «به موجب این اساسنامه تربیت آموزگار برای هر قسمت تابع شرایط و مقررات خاصی است که با توجه به احتیاجات نقاط مختلف کشور صورت خواهد گرفت»، شرایطی نظیر رضایت وزارت فرهنگ از دوره خدمت سپاهی دانشی، سلامت جسمی، شرط سنی کمتر از ۲۸ سال، تعهد خدمت پنج‌ساله به وزارت فرهنگ آمده است. یک نکته درخور توجه برای این داوطلبان، ضرورت شرکت در یک دوره آموزشی خاص «تعلیمات در زمینه مسائل روستایی و کشاورزی و جامعه‌شناسی روستایی» بود. بالاخره در این اساسنامه تدبیری هم برای استخدام «آموزگار زن برای دبستان‌ها از بین دخترانی که دارای گواهینامه کامل متوسطه (ریاضی - طبیعی - ادبی - خانه‌داری) و صحت مزاج و استعداد کامل جسمانی باشند، از طریق مسابقه» اندیشیده شده بود. برای این داوطلبان خدمت در روستا یک دوره یک‌ساله آموزشی «... در زمینه تعلیم و تربیت و فن آموزگاری» مقرر شد (سند شماره ۱ و مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش، مصوبه جلسه ۱۰۵۷، مورخ ۲۴/۰۶/۱۳۴۲).

## ۲. مراکز تقویتی و وابسته به سپاه دانش

### ۱-۲. دانشسرای عالی سپاه دانش

در راستای تکمیل معلومات سپاهیان دانش و آموزگاران سپاهی مقرر شد از مهرماه ۱۳۴۳ دانشسرای عالی خاص سپاهیان دانش تأسیس شود. این مؤسسه علمی در آغاز به منظور تربیت راهنمای تعلیماتی از خود سپاهیان دانش برای سپاهیان به وجود آمد تا معلمان برگزیده سپاهیان دانش با طی یک دوره آموزشی یک‌ساله به سمت راهنمای تعلیماتی سپاه دانش مشغول کار شوند، اما براساس تحولاتی که در نظام آموزشی از اواسط دهه چهل به وجود آمد و براساس آن نیاز به نیروی انسانی افزایش یافت، دانشسرای عالی سپاه دانش از سال‌های ۱۳۵۱-۱۳۵۲ در برنامه‌های خود تغییراتی اساسی داده و همه هدف خود را به تربیت مدیران آموزشی و مشاوران راهنمایی [دوره راهنمایی تحصیلی جدید] و دبیر برای تدریس در دانشسراهای مقدماتی و دانشسراهای تربیت دبیران راهنمایی و روان‌شناس متخصص برای خدمت در آموزشگاه معطوف ساخت و به این ترتیب، لیسانس دانشسرای عالی سپاه دانش از لیسانس آموزش ابتدایی به لیسانس علوم تربیتی تغییر عنوان داد (سالنامه دانشسرای سپاه دانش سال تحصیلی ۱۳۵۱-۱۳۵۲: ۷).

درواقع، دانشسرای سپاه دانش با محوریت امر آموزش در روستا، دارای دو دوره بود: دوره راهنمایی تعلیمات یک‌ساله - بعداً به دو سال افزایش یافت - و دوره لیسانس که مدت آن چهار سال است. بررسی برنامه درسی دوره آموزشی راهنمای تعلیمات حاکی از جامعیت آن شامل معلومات عمومی با دروس فارسی، تاریخ، جغرافیا، تعلیمات دینی و بهداشت، دروس حوزه آموزش و پرورش شامل روان‌شناسی رشد، سنجش، روش تدریس کتب درسی دوره ابتدایی، دروس حوزه اجتماعی شامل روش تحقیق اجتماعی، رشد اجتماعی، مدیریت و بالاخره حوزه کار عملی شامل تعلیمات کشاورزی و فعالیت‌های روستایی بود (سند شماره ۲، به نقل از: یوسفی، ۱۳۵۶: ۳۱۸). در سالنامه دانشسرای عالی سپاه دانش ۱۳۵۱-۱۳۵۲ چهار رشته تحصیلی آن به شرح ذیل آمده است: (۱) زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی؛ (۲) جامعه‌شناسی و اقتصاد روستایی؛ (۳) علوم تربیتی و روان‌شناسی و (۴) تکنولوژی کشاورزی و مهندسی زراعی و نوسازی (سالنامه دانشسرای سپاه دانش سال تحصیلی ۱۳۵۱-۱۳۵۲: ۱۳).

چشم‌انداز برنامه‌ها و فعالیت‌های این دانشسرا برحسب اظهارات دکتر علی‌اکبر بینا، یکی از اعضای شورای عالی فرهنگ، در یکی از جلسات شورا حاکی است: «... طرحی در دست تهیه داریم که در

حدود ۲۰۰ نفر از برجسته‌ترین سپاهیان دانش انتخاب شوند و در [مرکز آموزش کشاورزی] کرج طی یک سال آموزش ببینند و بعدها در تهران لیسانس بگیرند و مأمور راهنمای سپاهیان دانش شوند» (مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش، صورت‌مذاکرات جلسه ۱۰۸۴، مورخ ۲۲/۰۹/۱۳۴۳). توضیح اینکه، دانشسرای سپاه دانش در ابتدا وابسته به «سازمان تربیت‌معلم و تحقیقات تربیتی» بود. این سازمان که به‌منظور سامان‌دهی مراکز تربیت‌معلم در اوایل دهه ۴۰ تأسیس شد (نوید و روح‌بخش، ۱۳۹۹: ۳۵۵-۳۵۸). البته فعالیت دانشسرای عالی سپاه دانش پیش از آن با استقرار در مرکز آموزش کشاورزی کرج شروع شده و سپس از شهریور ۱۳۴۵ براساس مصوبه هیئت وزیران، به مرکز آموزش کشاورزی [روستای] مامازان واقع در ۳۰ کیلومتری جاده تهران - مشهد انتقال یافت. بالاخره در ۱۹ خرداد ۱۳۴۶ بنا به مصوبه جلسه ۱۰۸ شورای مرکزی دانشگاه‌ها، دانشسرای عالی سپاه دانش از «سازمان تربیت‌معلم و تحقیقات تربیتی» جدا شد و به‌طور مستقل شروع به کار کرد (سالنامه دانشسرای سپاه دانش سال تحصیلی ۱۳۵۲ - ۱۳۵۲: ۷). در این راستا در یک تحول ساختاری مقرر شد دانشسرای عالی سپاه دانش به‌صورت هیئت امنایی اداره شود. برای این منظور، مجلس شورای ملی «لایحه قانونی تشکیل هیئت امنای دانشسرای عالی سپاه دانش» را در سوم دی‌ماه ۱۳۴۷ به تصویب رساند. جز شش وزیر و سه مدیرعامل، یک دبیرکل و همچنین رئیس دانشسرا، شش نفر از شخصیت‌های علمی و فرهنگی و اجتماعی به عضویت هیئت امنا درآمدند (سند شماره ۳).

## ۲-۲. افسران سپاه دانش خاص نظارت راهنمای سپاهیان دانش

هم‌زمان با گسترش فعالیت سپاهیان دانش در روستاها، اتخاذ راهکاری به‌منظور نظارت و کنترل فعالیت‌های آنان در دستور کار وزارت آموزش و پرورش قرار گرفت و مقرر شد به‌منظور ایجاد یک روش نظارت مستمر برای اجرای برنامه سپاه دانش در روستاهای کشور و همچنین نظارت بر امور اداری و انضباطی سپاهیان و راهنمایی‌های لازم در امر تدریس و هدایت سپاهی دانش در سطح روستا، نیاز بود تدبیری اندیشیده شود تا سپاهیان دانش و آموزگاران سپاهی در حل مسائل و مشکلات اداری، فرهنگی، آموزشی، اجتماعی و عمرانی راهنمایی کنند و از طریق بازدیدهای مکرر و ارتباط دائم با سپاهیان و تشکیل سمینارهای محلی آنان را یاری دهند و کارهای انجام‌شده آنان را ارزیابی کنند. در این راستا تصمیم گرفته شد از وجود مشمولان لیسانسیه به بالا نیز استفاده شود و براساس این فکر بود که قانونی مشتمل بر پنج ماده و یک تبصره از تصویب مجلسین

گذشت و در ۱۰ دی‌ماه ۱۳۴۵، پس از توشیح آن توسط شاه، به مرحله اجرا درآمد. به‌موجب این قانون، نخستین دوره افسران سپاهی دانش که عده آنان بالغ بر ۱۸۹ نفر بود، از همان سال به روستاها اعزام شدند. این آمار بعدها به ۹۳۳ نفر افزایش یافت (قاسمی‌پویا، ۱۳۹۸: ۶۵۹).

راهنمایان مذکور وظیفه داشتند بر فعالیت‌های سپاهیان دانش مستقر در روستاها نظارت داشته و آن‌ها را کنترل کنند. هر راهنمای تعلیماتی مأمور رسیدگی به کار ۱۰ تا ۳۰ نفر سپاهی دانش بود. کار راهنمایان تعلیماتی جنبه همکاری و مشورت داشته و آنان موظف بودند در انجام هر یک از امور فرهنگی و اجتماعی که نقضی مشاهده کنند، مراتب را به سپاهی دانش گوشزد نمایند. راهنمایان تعلیماتی هر ماه دو یا سه‌بار با هریک از سپاهیان دانش تماس می‌گرفتند و آنان را در پیشرفت کارهای فرهنگی و اجتماعی یاری و همراهی می‌کردند و مشکلات موجود را از میان بر می‌داشتند و در صورتی که رفع مشکل از عهده راهنمای تعلیماتی و سپاهی دانش خارج بود، با مقامات دولتی تماس گرفته و از آن‌ها کمک می‌خواستند. معمولاً راهنمایان تعلیماتی برای نظارت بر کار سپاهیان دانش، مسیرهای طولانی روستاها را با اسب و بعضاً پای پیاده طی کرده و به فعالیت‌های آنان سرکشی کرده و از آن‌ها گزارش می‌دادند. با عنایت به تنوع و تکرر مشکلات روستایی، به تدریج آشکار شد که لازم است نوعی هماهنگی بین نهادهای دولتی برای رفع و رجوع معضلات به‌عمل آید. برای این منظور، مقرر شد در مرکز و شهرستان‌ها، شورای منظمی برای رسیدگی در رفع نیازمندی‌های سپاهیان دانش و عوامل اجرایی آن تشکیل دهند. این شورا در مرکز به نام «شورای عالی سپاه دانش» و در استان‌ها و شهرستان‌ها و بخش‌ها به‌عنوان «شورای هماهنگی سپاه دانش» نامیده شد. تشکیلاتی هم در مرکز به نام «سازمان سپاه دانش» عهده‌دار اجرای اصل ششم انقلاب بوده که اعضای آن را مدیرکل و معاون اجرایی، معاون فنی و معاون خدمات اجتماعی زنان اداره می‌کردند (جمادی، ۱۳۹۸: ۴۸۳).

مدارس سپاهیان دانش در روستاهای کم‌جمعیت که مدارس دولتی در آن‌ها دایر نمی‌شد، تأسیس می‌شد. سرفصل دروس همانند آموزش و پرورش، تغذیه و نمرات در آموزش و پرورش ثبت می‌شد. در سال‌های بعد برای راهنمای تعلیماتی سپاهیان دانش مقرر شد که این افراد از بین لیسانسیه‌های دانش‌سرای عالی سپاه دانش که هرکدام پنج سال سابقه خدمت داشته و رشته تعلیمات ابتدایی را طی کرده بودند، انتخاب شوند. برای این منظور، در مرحله اول تعداد ۲۵۰ نفر از متقاضیان راهنمای تعلیماتی انتخاب شده و آنان پس از طی دوره‌های آموزشی در دانشسرای سپاه دانش، وظیفه

راهنمایی سپاهیان دانش را به عهده گرفتند (سالنامه دانشسرای سپاه دانش سال تحصیلی ۱۳۵۱-۱۳۵۲: ۸ و ۹).

بررسی برنامه دروس راهنمایان تعلیماتی نشان می‌دهد که آنان در این دوره تحصیلی در زمینه عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی روستا آموزش می‌دیدند. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان برنامه و محتوای دروس دوره یک‌ساله تربیت راهنمایان تعلیماتی سپاه دانش را در قالب‌های دروس هویت ملی و میهنی، روش‌های تدریس، علوم تربیتی و روان‌شناسی، روش‌های یادگیری، مطالعات اجتماعی و بالاخره حوزه مسائل روستایی تقسیم کرد (سند شماره ۲).

### ۲-۳. دانشسرای روستایی پسران و دختران

به نظر می‌رسد گسترش سوادآموزی در روستاها توسط سپاهیان دانش، به تدریج مطالبه‌گری روستاییان را برای آموزش افزایش داد. سپاهیان دانش با محوریت سوادآموزی شکل گرفته بود، اما ادامه تحصیل کودکان روستایی پس از آن مستلزم تأسیس دبستان و تشکیل دوره تحصیلی ابتدایی در روستا بود؛ از این رو، اینک نظام آموزشی در مقابل تقاضاهای بی‌شمار روستاییان برای تأسیس مدرسه، باید پاسخ درخوری ارائه می‌داد. اتخاذ تدابیر لازم برای این مطالبات، زمینه گسترش و تداوم فعالیت سپاهی دانش از یک‌سو و مهم‌تر از آن، تأسیس مدارس ابتدایی در روستاها را از سوی دیگر فراهم کرد. ناگفته پیداست که تأسیس مدرسه روستایی در گام اول مستلزم معلم روستایی بود.

توضیح اینکه، اینک نیاز بود که کودکان روستایی که توسط سپاه دانشی سواد آموخته بودند، در فرایند رسمی آموزش در نظام آموزشی تحصیلی آموزش و پرورش قرار بگیرند. تجربه معلمان سپاه دانشی نشان داد معلم با خاستگاه و ریشه روستایی بهتر می‌تواند در روستا معلمی کند و در آنجا بماند. دکتر پرویز ناتل خانلری، وزیر وقت فرهنگ، در یکی از گزارش‌های خود در شورای عالی فرهنگ با اشاره به اعزام گسترده و داوطلبانه سپاهیان به روستاها، به نکته درخور توجهی اشاره کرده و آن اینکه «تابه حال آموزگاران دانشسرا [مقدماتی] حاضر به خدمت در دهات نبودند» (مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش، مصوبه جلسه ۱۰۶۱، مورخ ۲۸/۰۸/۱۳۴۲). همین گزاره می‌تواند دلایل بی‌سوادگی گسترده کودکان روستایی در سال‌های قبل از تأسیس سپاه دانش باشد،

ضمن اینکه مبین رویکرد جدید دست‌اندرکاران نظام آموزشی به بهره‌گیری از معلمان روستایی برای آموزش در روستاها نیز بود.

به‌هرحال براساس این رویکرد بود که در برنامه‌های جدید آموزشی به توجه خاص برای جذب نه‌تنها سپاهیان دانش از روستاها، بلکه معلمان دوره تحصیلی ابتدایی نیز از دهات تأکید شد. برای این منظور: اولاً، برنامه‌های درسی دوره آموزشی سپاهیان دانش بیش‌ازپیش با محوریت فرهنگ و مشاغل روستایی تدوین و تصویب شد. از آن جمله در برنامه درسی سپاهیان دانش پسران علاوه بر دروس عمومی آشنایی با روش‌های تدریس کتب مختلف ابتدایی، دروسی نظیر آشنایی با امور اداری روستا، ترویج و آبادانی، فرهنگ ملی و حتی مباحثی نظیر جهانگردی در روستا لحاظ شد (سند شماره ۴، به نقل از: یوسفی، ۱۳۵۶: ۳۱۵).

دوماً، به‌دنبال دستیابی به دستاوردهای مطلوب اعزام سپاهیان دانش مرد به روستاها، دست‌اندرکاران سپاه دانش تصمیم گرفتند از بانوان نیز برای سوادآموزی دختران روستایی استفاده کنند. بر این اساس، دانشسرای سپاهیان دانش دختران از سال ۱۳۴۶ تأسیس شد. برنامه درسی این دوره آموزشی دختران حاکی است افزون بر دروس عام آموزشی از جمله روان‌شناسی و روش‌های آموزش تدریس کتب درسی مختلف، به دو حوزه خاص مسائل روستایی و همچنین مباحث مرتبط با وظایف دختران نظیر خانه‌داری، بچه‌داری و... توجه ویژه‌ای شده است (سند شماره ۵، به نقل از: یوسفی، ۱۳۵۶: ۳۲۰). کما اینکه در این راستا وقتی قانون خدمات اجتماعی زنان نیز در سال ۱۳۴۷ به تصویب مجالس سنا و شورای ملی رسید، مقرر شد زنان مشمول این قانون با گذراندن دوره چهارماهه که بعدها به شش‌ماه افزایش یافت، به نقاط روستایی اعزام شوند. طبق ماده اول این قانون، به‌منظور سهیم کردن زنان در تحولات اجتماعی کشور و در اجرای «انقلاب شاه و مردم» [انقلاب سفید]، خدمات فرهنگی و آموزشی، بهداشتی و درمانی و اجتماعی وظیفه مقدس ملی زنان شناخته شد و مقرر گردید که در بین زنانی که دارای گواهینامه کامل متوسطه یا مدارک تحصیلی بالاتر بودند، این قانون برقرار شود. استقبال گسترده دختران از طرح به‌تدریج زمینه گسترش آن را فراهم کرد، به‌طوری‌که در پانزدهمین دوره اجرای طرح، تعداد سپاهیان دانش زن بالغ بر ۲۸۴۰ نفر رسید که این آمار در مقایسه با دوره اول که ۱۸۹۱ نفر داوطلب شده بودند، مطلوب بود (جمادی، ۱۳۹۸: ۴۸۳).



توضیح اینکه شرایط سنتی جامعه وقت ایران و به خصوص روستاییان باعث شده بود که آموزش سواد به دختران در روستاها مورد استقبال مطلوبی قرار نگیرد. به رغم اینکه اقدامات چندی برای ترغیب آموزش دختران روستایی به عمل آمد، اما بعضاً روستاییان از فرستادن فرزندان دختر خود نزد معلم پسر برای آموزش و سوادآموزی اکراه می کردند؛ از این رو، تکاپوهای سپاه دانش چنانکه باید در حوزه آموزش و سوادآموزی دختران در نسبت با پسران موفقیت آمیز نبود؛ لذا دست اندرکاران نظام آموزش و پرورش برنامه های دیگری را برای حل این معضل در دستور کار قرار دادند و از آن جمله به طور موردی در صدد آموزش معلمان دختر برای روستاها برآمدند؛ برای نمونه، به دنبال تقاضای اداره آموزش و پرورش استان خوزستان، مجوز تأسیس مراکز تربیت معلم روستایی خاص دختران برای آن استان را صادر کردند. این مصوبه حاکی است: «چون در دهات خوزستان دختر فارغ التحصیل ششم ابتدایی پیدا نمی شود، پذیرفتن دختران روستایی که تحصیلات آن ها کمتر از ششم ابتدایی باشد، بلامانع است». در بند دیگر تأکید شده: «داوطلبان انحصاراً باید از روستاها انتخاب شده باشند و پس از فراغ نیز منحصراً در دهاتی که از آن ها انتخاب شده اند، مشغول خدمت بشوند» (مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش، مصوبه جلسه ۳۹، مورخ ۲۰/۰۲/۱۳۴۹).

سوماً، به دنبال این گونه تصمیمات موردی، بالاخره شورای عالی آموزش و پرورش، مصوبه ای با عنوان «اساسنامه دانشسراهای روستایی دختران» برای تربیت آموزگار معلم دختر برای روستاهای کشور تصویب کرد (مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش، مصوبه جلسه ۹۳، مورخ ۲۲/۰۴/۱۳۵۱). در ماده نخست این اساسنامه هشت ماده ای آمده است: «منظور از تأسیس دانشسراهای روستایی، تربیت دختران روستایی برای آموزگاری در کلاس های اول تا پنجم دبستان های روستاها است». داوطلبان این مراکز که از خود روستا بودند، باید در روستا نیز تدریس می کردند. تحصیل در این دانشسرا شبانه روزی و مدت آن یک سال تعیین شد (سند شماره ۶). در این راستا در همین جلسه در تکمیل فرایند برنامه درسی آموزش در روستاها، «آیین نامه امتحانات دانشسرای روستایی» نیز تصویب شد (مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش، مصوبه جلسه ۹۳، مورخ ۲۲/۰۴/۱۳۵۱) که در این آیین نامه ۲۱ ماده ای زمان و شیوه امتحانات دانشسرای روستایی مشخص شده و جزئیات مربوط به ضرایب دروس، غیبت از امتحان، تخلفات امتحانی و غیره آمده است (سند شماره ۷).

### ۳. پیامدها و دستاوردهای سپاه دانش

#### ۱-۳. دستاوردهای سپاه دانش در روستاها

چنانکه گذشت، در کتاب *انقلاب سفید* محمدرضاشاه (دی‌ماه ۱۳۴۵) طی یک فصل تفصیلی درباره ابعاد اصل ششم انقلاب سفید یعنی «سپاه دانش» مطالب متنوعی آمده است. بخش دستاوردهای سپاه دانش طی پنج سال اول اجرای آن در این کتاب حاکی است: «...در حدود پنج سالی که از فعالیت سپاه دانش می‌گذرد، حدود ۳۲ هزار نفر از این سپاهیان دانش در نه گروه انجام وظیفه کرده‌اند که بیش از ۸۳۰۰ نفر از آن‌ها پس از پایان خدمت وظیفه، داوطلبانه در استخدام آموزش و پرورش باقی مانده و به‌صورت آموزگار ثابت در همان روستا یا سایر نقاط به انجام وظیفه مشغول شدند. در این مدت در حدود ۴۵ هزار پسر و ۱۲۰ هزار دختر و ۲۴۰ هزار مرد سالمند و ۱۱ هزار زن سالمند توسط سپاهیان دانش در کلاس‌های روزانه یا شبانه تعلیم یافته و باسواد شده‌اند. آنان علاوه بر آموزش، به فعالیت‌های عمرانی و اجتماعی در روستاها پرداخته و طبق آمار آموزش و پرورش تا پایان شهریور ۱۳۴۵ با کمک روستاییان، بیش از ۱۰ هزار دبستان ساخته و شش هزار دیگر را ترمیم کرده‌اند. همچنین هفت هزار مسجد را مرمت و ۹۰۰ مسجد بنا کرده‌اند. سایر اقدامات عمرانی سپاهیان دانش عبارتند از: ساخت ۴۶۰۰ حمام، احداث ۵۵ هزار کیلومتر راه فرعی، بنای ۲۰ هزار دهنه پل، لایروبی هشت هزار قنات، احداث هشت هزار مزرعه نمونه، کاشت ۱/۵ میلیون نهال، تشکیل ۷۵۰۰ انجمن خانه و مدرسه، دایر کردن سه هزار صندوق پست و بالاخره تصدی امور خانه‌های انصاف روستایی (پهلوی، ۱۳۴۵: ۱۲۹).

در آماری دیگر درباره مقایسه تعداد دانش‌آموزان ابتدایی سال ۱۳۴۱ با ۱۳۴۹ آمده است: «...از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۹ تعداد کل دانش‌آموزان دوره ابتدایی با میزان افزایش سالانه هشت درصد از ۱,۸۰۲,۱۴۴ نفر به رقم ۳,۲۳۷,۵۰۵ نفر رسید که افزایش ۱,۴۳۵,۳۶۱ نفری را در پی داشت. این افزایش در سطح آموزش عمومی و برنامه مبارزه با بی‌سوادی که مورد توجه جامعه بین‌الملل نیز قرار گرفته بود، باعث رشد سطوح دیگر آموزش و پرورش شده و دوره‌های بعدی را نیز تحت تأثیر قرار داد، به‌طوری‌که بین سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۱ تعداد کل دانش‌آموزان دوره دبیرستان با میزان متوسط افزایش سالانه بیش از ۱۴ درصد از ۲۶۰,۰۰۰ نفر به ۱/۴ میلیون نفر رسید» (جمادی، ۱۳۹۸: ۴۹۲).

در تکمیل این داده‌ها، در گزارش‌های مربوط به دهمین سالگرد سپاهیان دانش آمده است که پس از اجرای طرح سپاه دانش، تعداد کل آموزگاران روستایی از ۱۶,۹۵۳ نفر به ۳۰,۸۸۹ نفر آموزگار عادی و ۲۰۲,۴۴۴ نفر سپاهی دانش دختر و پسر افزایش یافته است. طی آمار ۱۰ سال گذشته، ۱,۰۷۱,۰۹۲ نفر دانش‌آموز و ۵۵۴,۷۷۱ بزرگسال کلاس‌های سپاه دانش را گذرانیده‌اند (محمدی، ۱۳۹۸: ۶۰). این آمار نشان می‌دهند طرح سپاه دانش به‌عنوان یکی از مواد انقلاب سفید، در گسترش سوادآموزی در روستاها بیش از هر طرح دیگری موفق‌آمیز بوده است. البته دستاوردهای سپاه دانش فقط به موارد یادشده محدود نمی‌شود؛ زیرا سوادآموزی بخشی از فعالیت‌های سپاهیان دانش را تشکیل می‌داد. عمده فعالیت آنان به‌نوعی آشنا کردن روستاییان با سبک و شیوه زندگی جدید و بهره‌مندی از مواهب بهداشت، درمان، کشاورزی مدرن و... بود. آموزش سپاهیان دانش در ۲۸ دوره اجرا شد. در یک جمع‌بندی کلی، شاید بتوان چند مزایا به شرح ذیل برای طرح و اجرای سپاه دانش برشمرد:

- قسمتی از معلمان موردنیاز وزارت فرهنگ تأمین شد؛ زیرا طبق قانون هر سال باید شش‌هزار معلم سپاه دانش تربیت می‌شد.

- با اجرای طرح سپاه دانش، جمع کثیری از دانش‌آموختگان بیکار دبیرستان‌ها صاحب شغل شده و در کسوت معلمی به فعالیت پرداختند.

- سپاه دانش به‌عنوان یک طرح تربیتی کم‌خرج از هر طرح و برنامه دیگری در این زمینه به‌صرفه بود (خانلری، ۱۳۴۲: ۴۷).

### ۲-۳. پیامدهای سپاه دانش به روایت دو وزیر وقت آموزش و پرورش

خوشبختانه بخشی از دستاوردهای سپاه دانش در روایت وزرای وقت آموزش و پرورش که هم‌زمان تصدی آن وزارتخانه را به عهده داشتند، آمده است. از آن‌جاکه این اظهارات در جلسات شورای عالی فرهنگ/ آموزش و پرورش ابراز شده است، به‌گونه‌ای می‌توان آن‌ها را گزارش فعالیت‌ها و دستاوردهای سپاه دانش تلقی کرد. با این توضیح که چون جایگاه و نقش شورا به‌عنوان یک نهاد سیاست‌گذار برای آموزش و پرورش تلقی می‌شود و در آن سال‌ها، وزرای آموزش و پرورش نیز ریاست آن را به‌عهده داشتند، اهمیت این گزارش‌ها روشن می‌شود. دکتر پرویز ناتل خانلری، وزیر وقت فرهنگ (از تیر ۱۳۴۱ تا اسفند ۱۳۴۲)، به‌عنوان بانی سپاه دانش، طی چندین گزارش در شورا از بازخورد مثبت و البته گسترده آن سخن گفته است، از آن جمله

نقل می‌کند: «... طبق اطلاع، سپاهیان دانش در ظرف سه ماه به‌خوبی به بچه‌های دهات خواندن و نوشتن یاد می‌دهند، این جواب کسانی است که می‌خواهند خط فارسی را عوض کنند و هزاران اشکال ایجاد نمایند». خانلری در ادامه، تألیف کتاب درسی جدید برای آموزش الفبا را مؤثر دانسته و اضافه کرده «...متدی که در نوشتن این کتاب‌ها به‌کار رفته [باعث شده فراگیران] هم زودتر یاد بگیرند و هم بیشتر» (مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش، مصوبه جلسه ۱۰۵۸، مورخ ۰۷/۱۳۴۲). خانلری در فرازی دیگر راجع به نقش آفرینی سپاهیان دانش می‌افزاید: «جوانانی که وارد سپاه دانش شده‌اند به‌قدری خوب عمل کرده‌اند که نتیجه درخشان آن معادل چندصد برابر کار فارغ‌التحصیلان دانشسراهای مقدماتی منهای صرف وقت زیاد و تحمل مخارج گزاف بود». وی در همین فراز یادآور می‌شود: «تابه حال آموزگاران همان دانشسرا حاضر به خدمت در دهات نبودند. سپاهیان دانش، این جوانان سرباز پرشور، چندان از عهده این وظیفه ملی و مهینی برآمده‌اند که موجب اعجاب جهانیان شده‌اند» (همان، مصوبه جلسه ۱۰۶۱، مورخ ۲۸/۰۸/۱۳۴۲).

نام‌برده در یک گزارش دیگر در جلسه شورای عالی فرهنگ، از بازتاب جهانی سپاه دانش سخن گفته است: «در کنفرانس بین‌المللی تعلیم و تربیت در ژنو اطلاع یافتیم برخی کشورها از این برنامه ملی جهانی [سپاه دانش] استقبال کرده‌اند. این موفقیت خیلی مهم است و برخلاف تصور عده‌ای بدبین، خیلی زودتر از آنچه انتظار می‌رفت، فرهنگ در قلب دهات پیش می‌رود و مردم در دهات از سپاهیان دانش پذیرایی می‌نمایند. این جوانان در دورترین نقاط کشور شبانه‌روز خدمت می‌کنند» (همان، مصوبه جلسه ۱۰۵۵، مورخ ۱۳/۰۵/۱۳۴۲)؛ از این رو، به‌دنبال بازتاب‌های جهانی موفقیت ایران در امر مبارزه با بی‌سوادی از طریق سپاه دانش، شاه مکاتباتی در زمینه نحوه اجرای آن با کشورهای عضو یونسکو داشت. این اقدامات نه‌تنها منجر به طرح موضوع در کنفرانس عمومی یونسکو به سال ۱۳۴۳ شد، بلکه تصمیم گرفته شد کنگره خاصی تحت سرپرستی شعبه یونسکو در تهران تشکیل شود و کشورهای عضو با تجارب ایران درباره سپاه دانش آشنا شوند. این تکاپوها باعث شد نهایتاً اجرای طرح مورد تأیید سازمان یونسکو قرار گرفته و در شهریور ۱۳۴۴ اولین کنگره مبارزه با بی‌سوادی زیر نظر سازمان بین‌المللی یونسکو در ایران تشکیل شود. شاه در نطق افتتاحیه این کنگره پیشنهاد کرد: «...کشورهای جهان قسمت محدودی از اعتبارات نظامی سالانه خود را برای کمک به امر مبارزه جهانی با بی‌سوادی در اختیار یونسکو قرار دهند تا از این راه به

حصول پیروزی در یکی از بزرگ‌ترین پیکارهای عالم بشریت کمک کرده باشند». این پیشنهاد در قطعنامه نهایی کنگره به اتفاق آرا به تصویب رسید (پهلوی، ۱۳۴۵: ۱۴۲ و ۱۴۳).

برحسب این دستاوردها، خانلری در شورای عالی فرهنگ پیشنهاد اعطای نشان سپاس از نوع درجه اول به افسران سپاهی دانش را مطرح کرد که براساس آن نشان مذکور به سپهبد نعمت‌الله نصیری، رئیس شهربانی کل کشور (مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش، مصوبه جلسه ۱۰۶۵، مورخ ۲۷/۱۱/۱۳۴۲) و همچنین تیمساران عبدالحسین حجازی، رضا عظیمی، حبیب‌اله میرجهانگیری، غلامرضا ازهاری، مظفر مالک، نصراله خوشنویسان، محمد فاضلی، غلامعلی اویسی، محمود معزی، عزیز نعیمیان کیانی، طلعت‌پاشا بیات ماکو و عباس کریم قره‌باقی اعطا شد (همان، مصوبه جلسه ۱۰۶۶، مورخ ۱۱/۱۲/۱۳۴۲). البته در رأس این افسران به‌طور ویژه آن نشان به تیمسار سپهبد حسنعلی منیعی، فرمانده سپاهیان انقلاب، به‌دلیل «خدمات شایان به آموزش و پرورش» اعطا شد (همان، مصوبه جلسه ۳۹، مورخ ۱۶/۰۹/۱۳۴۸). در این راستا، بنا به پیشنهاد خانلری مقرر شد در روز جشن مهرگان و در خلال تقدیر از معلمان برتر کشور، «...۳۰ نفر از قهرمانان سپاه دانش و رؤسای انجمن ۱۰ استان و فرمانداری‌های کل کشور که در حوزه خدمت خود موفق به انجام شایسته‌ترین خدمات در زمینه پیشرفت سپاه دانش شده بودند، به دریافت نشان از دست شاهنشاه کسب افتخار نمودند» (همان، مصوبه جلسه ۱۰۶۲، مورخ ۰۱/۱۰/۱۳۴۲).

خانلری در یکی از جلسات شورا به یک اقدام دیگر مرتبط با فعالیت‌های سپاهیان دانش اشاره کرده که البته در منابع بازتابی نیافته است. خانلری نقل می‌کند: «دستور دادم سپاهیان دانش ضمن انجام وظایف، لغات و کلمات و اصطلاحات متداول در نقاط کار خود را به‌دقت جمع‌آوری کنند و بفرستند تا مورد رسیدگی قرار گیرد و معلوم گردد جزء کدام گروه از زبان‌های متداول ایران است». این اقدام با عنایت به جایگاه علمی و ادبی خانلری قابل توجه است (همان، مصوبه جلسه ۱۰۶۴، مورخ ۲۹/۱۰/۱۳۴۲).

یکی دیگر از وزرای دست‌اندرکار اجرای سپاه دانش، دکتر هادی هدایتی (از آذر ۱۳۴۳ تا آذر ۱۳۴۷) بود. هدایتی نیز در همان آغاز وزارت خود در یکی از جلسات شورا از عملکرد سپاه دانش تحسین کرد و گفت: «یکی از مظاهر بزرگ انقلاب ششم بهمن، ایجاد سپاه دانش است که به ابتکار شخص شاهنشاه صورت گرفت. این مسئله نه تنها در ایران، بلکه در جهان چنان انعکاسی پیدا کرده که امروز همه ملل دنیا در مقابل این طرح و نتایج آن سر تصدیق فرود آورده‌اند». وی

در پایان ضمن تأکید بر اهتمام وزارت آموزش و پرورش بر حسن اجرای آن، درباره بازتاب بین‌المللی سپاه دانش یادآور شد: «قرار است سال آینده اولین کنفرانس وزرای آموزش و پرورش کشورهای جهان برای بررسی بهترین طرق مبارزه با بی‌سوادی در ایران تشکیل شود» (همان، مصوبه جلسه ۸۴۶۲، مورخ ۲۲/۰۹/۱۳۴۳).

### ۳-۳. تدریس کتاب انقلاب سفید در مدارس

یکی از نکات مرتبط با سپاه دانش و البته کلیات اصول انقلاب سفید، موضوع تألیف کتابی با عنوان *انقلاب سفید* و سازوکارهای تدریس آن در مقاطع مختلف آموزشی مدارس بود. کتاب *انقلاب سفید* تألیف [منسوب به؟] محمدرضاشاه پهلوی بود که توسط کتابخانه سلطنتی پهلوی و از طریق چاپخانه بانک ملی ایران در دی‌ماه ۱۳۴۵ چاپ و نشر یافت. انتشار این کتاب تقریباً هم‌زمان با اواسط وزرات دکتر هادی هدایتی (از آذر ۱۳۴۳ تا آذر ۱۳۴۷) بود. هدایتی که به‌ندرت در جلسات شورا شرکت می‌کرد، به‌واسطه معاونش دکتر احمد هوشنگ‌شریفی - که خود وی بعدها از سال ۱۳۵۳ به مدت دو سال به مقام وزارت رسید - بر جلسات شورا نظارت می‌کرد. شریفی در یکی از جلسات شورا با اشاره به اینکه «...آگاهی از تاریخچه و جریان این انقلاب [سفید] فریضه هر فرد ایرانی است»، پیشنهاد تدریس آن کتاب را در مدارس مطرح کرد. سپس برخی از اعضای وقت شورای عالی آموزش و پرورش، از جمله محمدعلی مجتهدی، ذبیح‌الله صفا، محمود صناعی، جهان‌شاه صالح و فروغ کیا مطالبی در ضرورت و اهمیت آن بیان کردند و در نهایت شورا مصوب کرد «[کتاب] اصول انقلاب سفید با زبان بسیار ساده در کلاس ششم ابتدایی جزء درس تعلیمات مدنی از طرف معلمین علوم اجتماعی بیان خواهد شد. در دوره اول متوسطه [راهنمایی بعدی] کتاب *انقلاب سفید* تماماً به شاگردان تدریس می‌شود و در دوره دوم متوسطه کنونی تمام رشته‌ها، سخنرانی‌هایی با استفاده از اصول انقلاب و کتاب *انقلاب سفید* ترتیب داده می‌شود و موضوعات انشاء در این زمینه برای دانش‌آموزان تعیین می‌شود. در مراکز تربیت معلم و دانشسراها و مراکز تعلیماتی سپاه دانش که تدریس اصول انقلاب جزء برنامه درسی است، کتاب *انقلاب سفید* جزء برنامه خواهد بود و به‌جای دروس و جزواتی که فعلاً تدریس می‌شوند، تدریس خواهد شد» (همان، مصوبه جلسه ۱۱۳۶، مورخ ۱۴/۱۲/۱۳۴۵).

پیرو این جلسه، وزیر آموزش و پرورش در جلسه بعدی شورا حضور یافت و درباره اقداماتش برای تلخیص و تدریس کتاب برای دانش‌آموزان ابتدایی گفت: «...خودم شخصاً مجملی از اصول

انقلاب سفید را برای نوآموزان کشور تهیه کرده‌ام که در کتاب علوم اجتماعی کلاس چهارم ابتدایی عیناً چاپ شده...». سپس در ادامه برای نحوه تدوین و تدریس در پایه‌های تحصیلی بالاتر از اعضای شورا نظرخواهی کرد. نهایتاً شورا پس از مذاکراتی تصویب کرد: «...در دوره اول متوسطه متن تلخیص شده کتاب *انقلاب سفید* که لااقل به میزان نصف صفحات اصل کتاب باشد، در سال سوم تدریس بشود. در دوره دوم متوسطه در سال پنجم همه رشته‌ها کتاب *انقلاب سفید* عیناً به‌طور کامل تدریس شود. تدریس این کتاب به عهده معلمان علوم اجتماعی خواهد بود و در پایان سال از آن امتحان به‌عمل خواهد آمد» (همان، مصوبه جلسه ۱۱۳۷، مورخ ۱۳۴۵/۱۲/۲۱).  
 بعدها در آیین‌نامه‌های تصویبی شورا درباره برنامه‌های درسی یا امتحانات دبیرستان‌ها، کتاب *انقلاب سفید* به‌عنوان یک درس جدید آموزشی منظور شد، از آن جمله در «آیین‌نامه امتحانات داخلی دبیرستان‌ها با اشاره به اینکه کتاب *انقلاب سفید* برای سال سوم متوسطه تدریس می‌شود، تمام شرایط قبولی یا تجدیدی و رد از کلاس و دروس نیز برای این کتاب نیز لحاظ گردید» (همان، مصوبه جلسه ۱۰، مورخ ۱۳۴۷/۰۷/۱۲). همچنین در جدول گروه و مواد درسی سال اول دانشسرای مقدماتی از «آیین‌نامه جدید امتحانات دانشسرای مقدماتی»، درس «انقلاب سفید» به‌عنوان یکی از دروس چهارگانه شامل: انقلاب سفید، تاریخ و تعلیمات مدنی، جغرافیا، آموزش تعاون و جامعه‌شناسی روستایی در ذیل درس علوم اجتماعی منظور شد (همان، مصوبه جلسه ۵۱، مورخ ۱۳۴۹/۰۲/۲۰). یکی از معلمان علوم اجتماعی آن سال‌ها (۱۳۵۱-۱۳۵۲) در خاطراتش با اشاره به اجبار تدریس کتاب *انقلاب سفید* توسط معلمان علوم اجتماعی در دوره راهنمایی، نقل کرده برای فرار از این تکلیف، به تدریس در درس غیرمرتبط پرداخته است (توکلی، ۱۳۸۵: ۶۰).

### ۳-۴. روستا، کانون فعالیت‌های سپاهیان دانش

از اواخر دهه ۳۰ و اوایل دهه ۴۰ در پی تصمیم برای گسترش آموزش در روستاها، به‌خصوص با محوریت آموزش مشاغل و حرف روستایی، دو برنامه در عرصه تربیت معلم در دستور کار گرفت: نخست رونق مراکز تربیت معلم خاص حرف روستایی بود. در این خصوص شورای عالی فرهنگ و بعداً شورای عالی آموزش و پرورش با تصویب آیین‌نامه‌هایی، سازوکار اجرایی این برنامه را تدوین کردند؛ از آن جمله تصویب «اساسنامه کلاس [یک‌ساله] تربیت معلم برای دارندگان دیپلم متوسطه» بود که براساس آن صرفاً به دو استان متقاضی یعنی آذربایجان شرقی و تهران برای تأمین معلم موردنیاز خود برای روستاها، اجازه تأسیس این‌گونه کلاس‌ها داده شد (مرکز اسناد شورای عالی

آموزش و پرورش، مصوبه جلسه ۹۷۴، مورخ ۱۸/۰۷/۱۳۳۷)، کما اینکه در یکی از بندهای مربوط به مفاد درسی «آیین‌نامه امتحانات کلاس‌های یک‌ساله تربیت‌معلم و تربیت‌معلم روستایی» به‌طور مشخص بر «مواد کشاورزی عملی و بهداشت عملی و تعلیمات اساسی برای کلاس‌های تربیت معلم روستایی» تأکید شد (همان، مصوبه جلسه ۱۰۴۱، مورخ ۲۷/۰۳/۱۳۴۱).

عرصه دوم برای توجه به تربیت‌معلم برای گسترش آموزش روستایی، تأسیس دانشسرای خاص سپاهیان دانش بود که پیش از آن بررسی شد، اما اهتمام اصلی در این عرصه، تصویب «اساسنامه کلاس تربیت آموزگار از سپاهیان دانش [برای تدریس در روستاها]» بود که زمینه جذب و استخدام بی‌شماری از سربازمعلمان سپاه دانشی در آموزش و پرورش را فراهم کرد (سند شماره ۱). کما اینکه خود تأسیس دانشسرای عالی سپاه دانش نیز به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه اجرای اصل سپاه دانش، زمینه اولیه گسترش سوادآموزی در روستاها را فراهم کرد. نکته مهم اینکه تأکید شده بود پذیرفته‌شدگان این مرکز حداقل دارای چند سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش، به‌ویژه در آموزش روستایی بوده یا از روستاها انتخاب شوند؛ به‌این ترتیب، سپاهیان دانشی که به روستاها می‌رفتند، خود ریشه در زندگی روستایی داشتند. همین رویکرد درباره معلمان دختر دانشسرا نیز صادق بود؛ زیرا واحدهای درسی آن دانشسرا نیز کارکرد و ماهیت روستایی اعم از فعالیت‌های اقتصادی، جامعه‌شناسی روستایی و... داشت. شرایط ورود به این دانشسرا علاوه بر داشتن دیپلم، دو سال سابقه آموزگاری در روستا و سپردن تعهد ادامه خدمت در روستاها در تمام مدت تحصیل بود. بر این اساس، متولیان دانشسرا در تمام دوره تحصیل سعی می‌کردند دانشجویان را علاوه بر برنامه‌های رسمی، به فعالیت‌ها و فوق‌برنامه‌ها اعم از گردشگری در نقاط مختلف کشور، تشکیل انجمن‌های مربوط، ایجاد مجله دفتر روستا، برگزاری جشن‌ها، نمایش فیلم‌ها و... حوزه روستا سوق دهند تا دانشجویان را با ابعاد مختلف زندگی روستایی آشنا سازند. از دستاوردهای این مرکز طی ۱۵ سال فعالیت تا ۱۳۵۷، تربیت ۱۸۰۰ دانش‌آموخته با درجه‌های فوق‌دیپلم و لیسانس بود (قاسمی پویا، ۱۳۹۸: ۶۷۰).

به‌این ترتیب، دانشسرای عالی سپاه دانش، نهادی روستایی و در خدمت آموزش روستاییان بود. مناسب‌ترین راه برای این رویکرد هم، انتخاب راهنمایان تربیتی از میان خود سپاهیان دانشی بود که گام نخست این راه را طی کرده و تجربه آموخته بودند. نکته دیگر اینکه، این دانشسرا موظف بود برای پادگان‌ها و مراکز آموزشی آموزگار سپاه دانش، دبیر نیز تربیت کند. البته بعدها و در پی



گسترش دانشسراهای روستایی و سپاه دانش، رفع نیاز به مربی این مراکز نیز در دستور کار دانشسرای عالی سپاه دانش قرار گرفت و بر همین اساس نیز دوره‌های آموزشی آن از فوق‌دیپلم به لیسانس و سپس به دکتری گسترش یافت؛ از این رو، می‌توان ادعا کرد که دانشسرای عالی سپاه دانش به کانونی برای آموزش توسعه‌یافته‌های عمرانی روستایی تبدیل شد و برای این منظور، به تربیت متخصصان این عرصه توجه شد، از آن جمله در راستای برنامه مؤسسه عمران روستایی، تربیت تکنسین در رشته‌های تکنولوژی کشاورزی و دامپروری، دهداری و تعاون روستایی، مهندسی زراعی و عمران روستایی، خانه‌داری و صنایع روستایی در دانشسرای عالی سپاه دانش به‌طور شبانه‌روزی در دستور کار قرار گرفت. در این راستا، از آبان ۱۳۴۸ آموزش از طریق مکاتبه در دوره عالی سپاه دانش نیز عملیاتی شد. بر این اساس دانشسرای مذکور، به مرکزی برای استفاده از شیوه‌های متنوع و متعدد آموزشی برای تربیت نیروی انسانی موردنیاز روستا تبدیل شد. نکته درخور توجه درباره این دانشسرا اینکه، به‌دنبال طرح تغییر نظام آموزشی و ایجاد سه دوره پنج‌ساله ابتدایی، سه‌ساله راهنمایی و چهارساله دبیرستان در آموزش و پرورش، از اواسط دهه ۴۰، حوزه مأموریتی دانشسرای سپاه دانش گسترش و مأموریت یافت تا تربیت مدیران آموزشی و مشاوران راهنمایی و دبیر برای تدریس در دانشسراهای تربیت‌دبیران راهنمایی و روانشناس متخصص را به‌عهده بگیرد. بر این اساس اینک وظیفه دانشسرای سپاه دانش از صرف آموزش دوره‌های یک‌ساله - بعداً دو‌ساله - تربیت راهنمای تعلیماتی، به مرحله آموزش عالی ارتقا یافت و با جذب دانش‌آموختگان آموزش ابتدایی و ارائه سطوح عالی‌تر تربیتی، به آنان لیسانس علوم تربیتی می‌داد (سالنامه دانشسرای سپاه دانش سال تحصیلی ۱۳۵۱-۱۳۵۲: ۷ و ۸).

به‌اختصار درباره «مؤسسه عمران روستایی» باید یادآور شد که این مؤسسه آموزشی از فروردین ۱۳۵۲ رسماً شروع به کار کرد. دانشجویان از میان دارندگان گواهینامه دبیرستان انتخاب شده و در یکی از چهار رشته دهداری و تعاون روستایی، تکنولوژی کشاورزی و دامپروری، کمک‌مهندسی زراعی و نوسازی روستاها و بالاخره خانه‌داری و صنایع روستایی تحصیل می‌کردند. آنان پس از گذراندن ۷۰ واحد درسی طی دو سال، موفق به دریافت فوق‌دیپلم شده و طبق تعهد در یکی از وزارتخانه‌های تعاون و امور روستایی یا وزارت کشاورزی - بنابر نیاز در هر نقطه‌ای که تعیین می‌شد - مشغول خدمت می‌شدند (سالنامه دانشسرای سپاه دانش سال تحصیلی ۱۳۵۱-۱۳۵۲: ۱۳).

به نظر می‌رسد در این راستا بتوان مراکز تربیت معلم روستایی را به‌نوعی زنجیره تداوم حلقه وصل سپاه دانش به روستا در سال‌های بعد از تثبیت جایگاه سپاه دانش تلقی کرد؛ زیرا به تدریج با جذب سپاهیان دانش در آموزش و پرورش، این مراکز تربیت معلم روستایی بودند که توانستند ارتقای تحصیلی کودکان روستایی را بعد از سوادآموزی ممکن سازند. ناگفته نماند که دکتر پرویز ناتل خانلری، وزیر وقت فرهنگ نقش تعیین‌کننده‌ای در تصویب و اجرای آن دسته از آیین‌نامه‌های سپاه دانش که مرتبط با زیست‌بوم روستایی بود، ایفا کرد. وی در این راستا حتی بارها در خلال مذاکرات جلسات شورای عالی فرهنگ بر ضرورت گسترش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای معلمان و همچنین توسعه مراکز تربیت معلم روستایی به‌خصوص از طریق سپاه دانش تأکید کرده و توجه اعضای شورا را به عرصه‌های جدید تربیت معلم جلب می‌کرد. وی در یکی از جلسات شورا با اشاره بر اینکه کتب درسی سپاه دانش با کتب رسمی ابتدایی در «فرق مطلب» است، تأکید کرد که تألیف این کتب باید به‌گونه‌ای باشد که «... با زندگی بچه‌های ده و روستا سروکار داشته باشد» (مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش، مصوبه جلسه ۱۰۵۳، مورخ ۲۵ / ۰۱ / ۱۳۴۲).

### نتیجه‌گیری

حاصل سخن اینکه در پاسخ به سؤال اصلی این نوشتار مبنی بر نقش و تأثیر طرح سپاه دانش در گسترش سوادآموزی و عمران روستاهای کشور، به نظر می‌رسد سپاه دانش پس از اصلاحات ارضی، محور اصلی تحولات در روستاها طی حدود بیش از یک‌ونیم دهه واپسین سلطنت محمدرضاشاه بود. سپاه دانش وسیله‌ای مؤثر و کم‌خرج و تا حدودی آسان برای رفع کمبود معلم و برای مبارزه با بی‌سوادی و عمران روستایی تلقی می‌شد. این طرح از آن جهت مورد توجه واقع شد که ابداع و ابتکار خاصی را در حل یک مسئله غامض اجتماعی در روستاها را در دستور کار قرار داد و به‌واسطه گسترش سوادآموزی، زمینه آگاهی و عمران روستا و اعتلای سطح فکری زندگی روستاییان را فراهم کرد. این تحولات در عرصه‌های مختلف اعم از فرهنگی شامل سوادآموزی و آموزش حساب، سیاسی شامل تبلیغ ایدئولوژی رسمی پهلوی و شاه‌دوستی و میهن‌دوستی و شعائر ملی، اجتماعی شامل انسجام و همکاری جمعی - با تأسیس شرکت‌های تعاونی روستایی - و بالاخره عمرانی شامل آموزش و اصلاح شیوه‌های کشاورزی، احداث بناهای عمومی شامل حمام، مسجد، پل، جاده، مراکز بهداشتی را دربر می‌گرفت.

## منابع کتاب‌ها

- توکلی، محمدحسین (۱۳۸۵)، *چلچراغ خاطره‌ها: از معلمی دبستان تا مشاوره‌ی وزیر*، تهران: سرای اهل هنر.
- پارسی‌نژاد، ایرج (۱۳۷۰)، «استادم؛ دکتر خانلری»، *مجله ادبیات و زبان ایران‌شناسی*، ش ۱۰.
- پهلوی، محمدرضاشاه (۱۳۴۵)، *انقلاب سفید*، تهران: کتابخانه سلطنتی پهلوی، چاپخانه بانک ملی ایران (موجود در آرشیو مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش).
- جمادی، بهزاد (۱۳۹۸)، *بررسی ضرورت و اهداف شکل‌گیری سپاه دانش در آموزش و پرورش*، تدوین‌کنندگان: جمشید روستا و رحیم روح‌بخش، تاریخ آموزش در ایران: مجموعه مقالات چهارمین همایش آموزش تاریخ در مدارس، تهران: نگارستان اندیشه، صص ۴۹۸-۴۱۷۱.
- جواهری، مسیح (۱۳۹۸)، *ضرورت تدوین تاریخ شفاهی سپاه دانش: بررسی رویدادها و عملکرد نظام آموزشی*، تدوین‌کنندگان: جمشید روستا و رحیم روح‌بخش، تاریخ آموزش در ایران: مجموعه مقالات چهارمین همایش آموزش تاریخ در مدارس، تهران: نگارستان اندیشه، صص ۴۷۰-۴۳۹.
- خانلری، پرویز (۱۳۴۲)، *سپاه دانش در ایران*، برگرفته از کتاب *سالگرد سپاه دانش*، تهران: سپاه دانش.
- سیاسر، قاسم (۱۴۰۰)، *نقش نظامیان در توسعه آموزش و پرورش جدید در سیستان و بلوچستان*، تدوین‌کنندگان: رحیم روح‌بخش و فریده حشمتی، تاریخ تحولات نظام آموزشی نوین در ایران: مجموعه مقالات پنجمین همایش آموزش تاریخ در مدارس (۲۶ دی‌ماه ۱۳۹۷)، تهران: نگارستان اندیشه.
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۹۸)، *دانش‌سرای عالی سپاه دانش (ابوریحان بعدی) و تربیت معلم*، در مقالات برگزیده اولین همایش ملی بزرگداشت یکصدمین سال تاسیس تربیت معلم در ایران: دیروز، امروز، فردا، تهران. (انتشار و تکثیر در قالب لوح فشرده، موجود در آرشیو مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش).

- محمدی، محمود (۱۳۹۸)، *از سپاه دانش تا سرباز معلم*، در مقالات برگزیده اولین همایش ملی بزرگداشت یکصدمین سال تأسیس تربیت معلم در ایران: دیروز، امروز، فردا، تهران: دانشگاه فرهنگیان با همکاری پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش (انتشار و تکثیر در قالب لوح فشرده، موجود در آرشیو مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش).
- مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش، *متن صورت‌مذاکرات و مصوبات شورای عالی فرهنگ و شورای عالی آموزش و پرورش* (موجود در آرشیو مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش).
- نوید، مهدی و رحیم روح‌بخش (۱۳۹۹)، *تربیت معلم به روایت اسناد: مصوبه‌های شورای عالی معارف / فرهنگ / آموزش و پرورش*، تهران: دانشگاه شهید رجایی.
- هوگلاند، اریک (۱۳۸۱)، *زمین و انقلاب در ایران*، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: شیرازه.
- یوسفی، منصور و دیگران (۱۳۵۶)، *تربیت معلم در ۵۰ سال شاهنشاهی*، تهران: وزارت آموزش و پرورش.

#### مقالات

- سالنامه دانشسرای سپاه دانش سال تحصیلی ۱۳۵۱-۱۳۵۲، «تاریخچه دانشسرای سپاه دانش» (موجود در آرشیو مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش).
- منصوری، طیبه (۱۳۸۸)، «سپاه دانش در اسناد مجلس»، *فصلنامه پیام بهارستان*، دوره دوم، سال دوم، شماره ۶.